



وضعیت سینما در دولت سیزدهم به روایت رضا استادی

جای خالی بزرگان سینما در ردیف‌های جلو

مسائل باعث شد تا اهالی سینما تصور کنند در شرایطی قرار دارند که اتفاقاتی هم چون رانت، در حال رخ دادن است. همین ذهنیت زمینه‌ساز بدبینی نسبت به رئیس سازمان سینمایی را به وجود آورد. هر چند او نیز جز در تعامل با بدنه تجاری سینمای ایران که به هر حال خیلی اهل اندیشه و موثر نیست، عملاً با هیچ جای دیگری تعامل نداشت. تا جایی که علاوه بر تعداد زیادی از فیلم‌سازان شاخص و سینماگران شناخته‌شده، حتی بدنه‌های میانی و افرادی هم که به لحاظ خط‌مشی فکری و سیاسی آدم‌های معتدلی بودند عملاً اعتنایی به این سازمان سینمایی نکردند و بسیاری از هنرمندان شاخص که معمولاً در مراسم‌های سینمایی حضور داشتند، قهر کردند و دیگر رویدادهای سینمای کشور را جدی نمی‌گرفتند مگر این که مثلاً قرار بود در مراسمی از آن‌ها تقدیری شود و جایزه‌ای بگیرند.

استادی تأکید کرد: این هنرمندان حتی دیگر در جشنواره فیلم فجر هم دیده نمی‌شدند و واقعا باید ردیف اول، دوم و سوم این جشنواره‌ها را با ذره‌بین به دنبال چهره‌های شاخص می‌گشتیم. متأسفانه رئیس سازمان سینمایی بیشترین همان اشتباهی را مرتکب



به هر حال همه می‌دانند که از بین افراد زیادی که نامشان برای این مسئولیت مطرح شده بود، آقای فریدزاده تقریباً غیرمحمول‌ترین گزینه‌ای بود که برای این مسئولیت انتخاب شد. من به شخصه هیچ مورد خاص و قابل‌اعتنایی در عملکرد آقای فریدزاده در حوزه بین‌الملل ندیده‌ام در حالی که تصور داشتیم فردی که در دولت چهاردهم به عنوان رئیس سازمان سینمایی انتخاب می‌شود قطعاً یکی از بخش‌هایی که تغییر خواهد داد، بخش بین‌الملل باشد

به فیلم‌های کم‌دی و محدودیت‌ها همچنان در حوزه‌های اجتماعی وجود داشت حتی به برخی از فیلم‌های این حوزه مجوز داده نشد و ما اساساً نه تنها در این سه سال فیلم اجتماعی قابل‌تأملی که در خاطرمان بماند را ندیدیم، بلکه خیلی از فیلم‌سازان این حوزه نیز ترجیح دادند که دیگر فیلم نسازند.

شفاف نبودن با سینماگران

رضا استادی منتقد و فیلمساز در خصوص ضعف‌های دوره پیشین معتقد است: مهم‌ترین نقطه‌ضعفی که رئیس سازمان سینمایی دولت قبل داشت، عدم شفافیت و پاسخگویی او به اهل رسانه و منتقدان او بود. در صورتی که در موارد قانونی برای مثال قانون حقوق شهروندی یا قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، تصریح شده که مدیران دستگاه‌های مختلف باید به ابهامات و سوال‌های مردم پاسخ دهند.

وی افزود: همچنین از معدود شفاف‌سازی‌هایی هم که صورت می‌گرفت، کاملاً مشخص بود که هدایت‌شده و مهندسی شده‌اند و اطلاعات، اطلاعاتی واقعی، قابل‌تحلیل و قابل‌بررسی دقیق نبود. این روزنامه نگار در ادامه اذعان داشت: این

رضا استادی منتقد و فیلمساز در پاسخ به این سوال درباره تحلیل وضعیت سینما در دولت سیزدهم گفت: رئیس دولت سیزدهم همراهی خیلی خوبی با بخش فرهنگ و هنر داشت و حتی به لحاظ تخصیص اعتبارات و بودجه به این بخش نیز موفق بود، اما با اتفاقی که رخ داد، این وجه، تأثیری در روند فعالیت مدیران دولت سیزدهم و مشخصاً سینما نداشت. از طرف دیگر این مسئله یک اعتمادبه‌نفس بسیار زیاد و متأسفانه کاذبی را در مدیران ایجاد کرد که از همان ابتدا تصور کردند به تنهایی و با اتکا به یک سری نیروهای خیلی محدود می‌توانند سینما را به شکل غیر شفاف‌سازی اداره کنند و پیش ببرند.

وی در ادامه‌ی اظهاراتش پیرامون آسیب‌شناسی سازمان سینمایی دولت پیشین یادآور شد: از این موضوع هم نباید غافل شویم که مسئله کرونا تأثیر زیادی بر روی فعالیت‌های دولت سیزدهم و همچنین در بخش سینما داشت که البته با انعطافی که در صدور مجوزها و نادیده گرفتن بسیاری از موضوع‌های محتوایی نشان دادند، تلاش کردند تا شرایط اقتصادی را برای سازندگان فیلم‌ها هموار کنند. هر چند که این قضیه فقط محدود می‌شد